

## اعتقادنامه‌ها و اعتراف‌نامه‌های ایمانی پروتستان

رایان ریوز

اصلاحات کشمکش‌ی بر سر ملزومات ایمان بود. ابتدا به واسطه‌ی لوتر و سپس از طریق دیگر سنت‌های پروتستان، اصلاح‌طلبان ایمان به کتاب‌مقدس را نسبت به تعلیمات کاتولیک و حاکمیت پاپ، در اولویت قرار دادند. آن‌ها کتاب‌مقدس را تنها منبع آموزه‌ها می‌دانستند؛ با این حال، باید فهم خود از تعالیم کتاب‌مقدسی را بیان می‌کردند. به این ترتیب، اعتراف‌نامه‌های ایمانی پروتستان‌ها نتیجه‌ی شکوفایی طبیعی تعهدشان به کتاب‌مقدس بود.

پروتستان‌ها ایده‌ی اعتراف‌نامه‌ی ایمانی را از خود در نیاوردند. در طی قرن‌ها، کلیسا همواره در مواقع سردرگمی و بحران، به ایمان خود اعتراف کرده است. هرگز قرار نبود که یک عقیده یا یک اعتراف جایگزین کتاب‌مقدس شود، فقط قرار بود که شهادت کلیسا درباره‌ی حقیقت در کتاب‌مقدس را بدون خطا، خلاصه کند. مشهورترین نمونه‌های این حرکت، اعتقادنامه‌های تاریخی—مانند اعتقادنامه‌های نیکیه و کلسدون—هستند که بین قرن سوم و پنجم نوشته شدند. این عقاید از همان امری سرچشمه گرفتند که اعترافات پروتستان بعداً بر اساس آن تنظیم شدند—لزوم مشخص کردن آنچه کلیسا درباره‌ی آموزه‌ها، ضروری می‌داند.

تفاوتی که اعتراف‌نامه‌های ایمانی پروتستان دارند، در تمایل اصلاح‌طلبان به اصلاح کامل و ریشه‌ای است. مسائل اصلاحات فقط مناقشه بر سر یک آموزه—یا مجموعه‌ای از آموزه‌ها—نبود، بلکه به لزوم اصلاح کامل کلیسا مربوط می‌شد. برخی آموزه‌ها، مانند تثلیث، به مثابه‌ی آموزه‌های کتاب‌مقدسی حفظ شدند؛ در عین حال، برخی دیگر، مانند عادل‌شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان، باید با دقت بیان می‌شدند. به منظور حفظ سنت‌های کلیسا، رهبران پروتستان تلاش کردند تا تفکر پشت پذیرش آموزه‌هایی مانند عادل‌شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان یا رد حاکمیت پاپ را به زبان روزمره بنویسند.

به این ترتیب، اعترافات پروتستان شبیه اعتقادات اولیه است؛ با این تفاوت که به جزئیات، توجه بیشتری می‌شود. آن‌ها مانند یک عقیده، جایگزین کتاب‌مقدس نمی‌شوند و حتی با آن، در یک سطح هم قرار نمی‌گیرند؛ بلکه، بیانی هستند از آنچه پروتستان‌ها در کتاب‌مقدس می‌یابند.

## اعتراف‌نامه‌ی ایمانی لوتری

نخستین نمونه‌ی این گرایش در مذهب پروتستان به اصلاحات اولیه‌ی لوثر برمی‌گردد. لوثر که از ۱۵۱۷ تا ۱۵۱۹، به‌سبب عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان دچار کشمکش بود و در مجلس وُرمُس (۱۵۲۱)، مجرم و بدعت‌گذار خوانده شده بود، فوراً دست به کار نوشتن اصول اولیه‌ی پیغامش در مجموعه‌ای از اسناد اعتراف‌نامه‌ای شد. دو مورد برای کلیسا و یکی هم جهت دفاع عمومی از پیغام لوثر بود.

در دو مورد اول، لوثر در سال ۱۵۲۹، پرسش و پاسخ‌های بزرگ و کوچک را نوشت؛ اولی به‌منظور تربیت شاگردان بزرگسال و روحانیون کلیسا و دومی برای کودکان و کسانی که نوکیش هستند. او همچنین، مطلبی در باب تشویق به اعتراف نوشت تا لزوم اعتراف‌نامه‌ی ایمانی را توجیه کند. اگرچه کلیسا فقط بر کتاب مقدس تکیه می‌کند، لوثر معتقد بود که داشتن اعتراف‌نامه‌ی ایمانی مشترک ضروری است.

این پرسش و پاسخ‌های اولیه و ویژگی بارز اعتراف‌نامه‌ها را نیز نشان می‌دهند: آن‌ها ابزاری هستند برای شاگردی و ضروری برای حیات کلیسا.

اعتراف‌نامه‌ی ایمانی سوم اعتراف‌نامه‌ی معروف آگسبورگ (۱۵۳۰) بود که لوثر و فیلیپ ملانکتون نه به‌منظور اعتراف‌نامه‌ی ایمانی مشترک کلیسا، که جهت ارائه به امپراتور چارلز پنجم و شاهزاده‌ی اروپا تنظیمش کرده بودند. دفاعیه‌ای بود درباره‌ی پیغام لوثر که تا حدودی با لحنی مبارزه‌طلبانه ادا شده بود، یا حداقل این‌طور به نظر می‌آمد. این دفاعیه مشخص می‌کند که لوثری‌ها علی‌رغم اتهاماتی که کاتولیک‌های آلمانی به آنها زده بودند، واقعاً چه اعتقادی داشتند.

پرسش و پاسخ‌ها و اعتراف‌نامه‌ی لوثری نمونه‌ی کوچکی هستند از این که اعتراف‌نامه‌های آن دوران، چگونه مورد استفاده قرار می‌گرفتند: یکی جهت حیات کلیسا، دیگری به‌منظور مباحثه‌ی عمومی علیه ادعاهای کذب درباره‌ی راست‌دینی پروتستان‌ها؛ یکی برای هر ایمان‌داری در کلیسا، دیگری برای رهبران‌ش تا از طریق آن تعالیم راست‌دینی را توضیح دهند.

### گسترش اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان

سنت اصلاحات به همان اندازه نسبت به اعتراف ایمانی متعهد بود. بسته به این که چه گستره‌ای را در نظر بگیریم، بین سال‌های ۱۵۲۰ و ۱۶۵۰، حدود چهل تا پنجاه اعتراف‌نامه‌ی ایمانی اصلاح‌طلبانه (یا تحت تأثیر عقاید اصلاحات) نوشته شد—که تعدادش

بیش از هر سنت پروتستان دیگری بود. در ۱۵۲۳، تقریباً هم‌زمان با آغاز سنت اصلاحات، اولریش زوینگلی شصت و هفت مقاله نوشت تا بیانیه‌ای درباره‌ی موارد بحث‌برانگیز تنظیم کند. در پی این عمل، ده بیانیه‌ی برن (۱۵۲۸)، اولین اعتراف‌نامه‌ی ایمانی بازل (۱۵۳۴)، و تعداد دیگری از این دست، هم‌زمان با گسترش نظرات اصلاح‌طلبان در شهرها، نوشته شدند. دیگران نیز در بقیه‌ی کشورها از این روند پیروی کردند؛ مثلاً، اعتراف‌نامه‌ی ایمان فرانسوی‌ها (۱۵۵۹) و اعتراف‌نامه‌ی اسکاتلندی‌ها (۱۵۶۰) تنظیم شدند.

دلیل نوشتن بسیاری از اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان به زمینه‌شان برمی‌گردد. رهبران ایمان اصلاح‌طلبان همواره گروهی از برادران بودند (خلاف نظر امروزی که جان کالون به‌تنهایی راست‌دینی اصلاح‌طلبان را ایجاد کرد). اما سنت اصلاحات هم‌زمان در بسیاری از شهرها و کشورها متولد شد. از ۱۵۲۰ به بعد، هر شهر پس از دیگری اصلاحات را می‌پذیرفت، فرایندی که به‌تدریج گسترش یافت، و چندین شهر حتی پیش از این که اصلاحات به ژنو برسد، آن را پذیرفته بودند. به همین سبب، صدایی یگانه مانند لوتر وجود نداشت تا اسناد اساسی اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان را تنظیم کند.

در نتیجه، کلیسا پس از کلیسا و جماعتی پس از جماعتی دیگر نیروی زیادی صرف تنظیم اعتراف‌نامه‌ای برای کلیساهای محلی خود کردند. به همین دلیل است که اغلب اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان با شهر محل تنظیمشان مرتبط هستند: فلان اعتراف‌نامه مربوط به فلان شهر، فلان کلیسا است؛ نه برای تمام کلیساهای اصلاح‌طلب.

با این حال، همان گونه که تمام تاریخ‌دانان و الهی‌دانان بیان می‌کنند، میان تمام اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان، یک هماهنگی وجود دارد که صداهای متفاوت‌شان را در یک صدای متحد جمع‌آوری می‌کند. تفاوت‌ها آن قدر زیاد نیست که مانع از درک وحدت‌شان درباره‌ی مواردی مثل نجات، پرستش و اعمال کلیسایی شود. امروزه، بسیاری از کلیساهای هماهنگی پایه‌ای سخن می‌گویند که آن را سه‌گانه‌ی اتحاد می‌نامند—اعتراف‌نامه‌ی بلژیک، کانن‌های دورت و پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ. این اتحاد نتیجه‌ی تألیف مشترک نیست، بلکه شهادی به اصول اصلاحات است.

این موضوع به این معنا نیست که تمام اعتراف‌نامه‌های ایمانی اصلاح‌طلبان یکسان هستند. با گسترش ایمان اصلاح‌طلبان از ایالات سوئیس به آلمان، فرانسه، هلند و سپس، انگلستان و اسکاتلند، تفاوت‌های مشهودی درباره‌ی تأکید یا کاربرد شکل گرفتند. این هویت‌های اعتراف‌نامه‌ای نخستین گام‌های تنوع فرقه‌ها و جماعت‌های امروزی اصلاحات بودند.

## ریمونسترانت‌ها و شورای دورت

در هلند، ظهور مکتب آرمینین درون کلیساهای اصلاح‌طلب زمینه‌ی تشکیل شورای دورت (۱۶۱۸-۱۶۱۹) را فراهم کرد که با توجه به نکته‌سنجی‌های جیکوب آرمینیوس، تحلیلی منحصر به فرد از اصول اصلاحات ارائه می‌داد. آرمینیوس پس از تحصیل در ژنو، زیر نظر جانشین کالون، تئودور دوبز، به هلند بازگشت تا در مقام شبانی خدمت کند. (طنز قضیه این است که دوبز در بازگشت آرمینیوس، برای او توصیه‌نامه‌ای نیز نوشت.) آرمینیوس درباره‌ی فلسفه‌ی مَدَرسِی اصلاحات و تعلیماتش در مورد مشیت و فیض تردید زیادی داشت. در آن زمان، تعلیماتش سرمشق رهبران دیگر در مبارزه با تشکیلات کالون شد.

پس از مرگ آرمینیوس در ۱۶۰۹، مسند آرمینین—که به ایمان ریمونسترانت هم معروف است—پنج ماده را تنظیم و به رهبران جنگ هلند ارائه کرد تا از مناطق کاتولیک هلند که تحت کنترل اسپانیایی‌ها بود، جدا شوند. در واکنش به این موضوع، شورای دورت ملاقاتی ترتیب داد و هر پنج ماده را رد کرد. این گونه بود که پنج ماده‌ی معروف کالونیسم به وجود آمد؛ اگرچه شورا قصد نداشت ایمان را به پنج نکته منحصر کند، بلکه صرفاً می‌خواست پاسخی به پنج نکته‌ی آرمینیوسم داده باشد.

با حرکت به سمت قرن هفدهم، همین بیان فردی از اصول اصلاحات را در اعتراف‌نامه‌ی باپتیست لندن (۱۶۸۹) نیز می‌بینیم. با شکل‌گیری باپتیست‌های پیوریتن—یا باپتیست‌های نخستین—، افرادی که نسبت به آموزه‌های اصلاحات متعهد بودند این اعتراف‌نامه را نوشتند. این افراد با پرزبیترین‌ها، انگلیکن‌ها و کالونیست‌های هلندی از لحاظ خط مشی و رد غسل تعمید نوزادان تفاوت داشتند. این اعتراف‌نامه‌ی ایمانی نقطه اوج نسل‌های باپتیست‌ها بود که در انگلستان ظهور کردند و برای قرن‌ها، نظرات اصلاح‌طلبان باپتیست را تعریف می‌کند.

## معیارهای وست‌مینستر

نقطه اوج اعتراف‌نامه‌ها، معیارهای وست‌مینستر بود که شامل اعتراف‌نامه‌ی ایمان وست‌مینستر، پرسش و پاسخ‌های بزرگ و کوچک، راهنمای پرستش عمومی و شکل تشکیلات کلیسا می‌شد. اعتراف‌نامه حکم بیانیه‌ای جدید درباره‌ی راست‌دینی اصلاح‌طلبان را داشت و پرسش و پاسخ‌ها از حرکت لوتر در پدیدآوری راهنمایی برای روحانیون و بزرگسالان (پرسش و پاسخ‌های بسیط) و کودکان (پرسش و پاسخ‌های مختصر) تقلید می‌کردند. از لحاظ طول و عمق محتوا، هیچ یک از اعتراف‌نامه‌های

اصلاح‌طلبان یا پسااصلاح‌طلب به پای انجمن وست‌مینستر نمی‌رسد. اگرچه، تاریخچه‌اش به کشمکش بر سر پیوریتنیسم درون کلیسای انگلستان برمی‌گردد.

از دوران هنری هشتم (۱۵۰۹-۱۵۴۷)، کلیسای انگلستان فقط یک اعتراف‌نامه‌ی ایمانی اساسی را پذیرفته بود—نخست چهل و دو مقاله (۱۵۵۲) که بعداً به سی و نه مقاله (۱۵۶۳) کاهش یافت. اگرچه از لحاظ الهیاتی، این مقالات کاملاً پروتستان بودند، درباره‌ی تعهد کلیسا به اصول پرستش توضیحی نمی‌دادند و نسبت به آموزه‌های جنجالی مانند ساختارهای رهبری کلیسایی یا حضور مسیح در عشاء ربانی، موضع مشخصی نداشتند. شکست کلیسای انگلستان در نوشتن اعتراف‌نامه‌ای جامع‌تر در اثر تردید نبود، بلکه به دلیل ناتوانی ناشی از نوسانات خشونت‌آمیز بین وفاداری‌های پروتستان و کاتولیک در دوران دو فرزند هنری، ادوارد ششم و مری اول بود. اکثر سال‌های قرن شانزدهم، کلیسای انگلیکن فرصت نوشتن اعتراف‌نامه‌ای طولانی و یکپارچه را نداشت.

با شروع فرمانروایی الیزابت یکم، افراد زیادی در انگلستان، ضرورت اولیه‌ی مختصر بودن اعتراف‌نامه‌ها را یک حُسن می‌دانستند. اعتراف‌نامه‌های مختصر جدال بر سر آموزه‌ها را کاهش می‌داد؛ مثلاً جدال میان رهبران اصلاح‌طلب و لوتری در اروپا. اسقف‌هایی مانند متیو پارکر—اگرچه معتقد به ایمان اصلاح‌طلبان بودند—کم‌کم درباره‌ی افزایش تقاضا از کلیسای انگلستان جهت تغییر موضعش نسبت به پرستش، جامه‌های کشیشان، آموزه‌ها و دیگر آیین کلیسا، ابراز نگرانی کردند.

نتیجه این تنش باعث ظهور پیوریتنیسم، ابتدا در زمان الیزابت و سپس به طور فزاینده‌ای در زمان جیمز اول شد. این عنوان به معنای واکنش ناگهانی در جستجوی اصلاحات بیشتر بود و جنبشی واضح را تعریف نمی‌کرد. نقطه‌ی مشترک تمام پیوریتن‌ها این بود که از تردید اسقف‌ها و رهبران سیاسی نسبت به اصلاح بیشتر کلیسای انگلستان، به ستوه آمده بودند.

در دوران چارلز یکم، شرایط بغرنجی حاکم بود. در زمان الیزابت و جیمز، مشکل پیوریتن‌ها اغلب این بود که به آن‌ها بی‌توجهی می‌کردند، اگرچه به ندرت هم مورد جفا قرار می‌گرفتند. از طرف دیگر، چارلز موضع خشن‌تری را نسبت به آنان اتخاذ کرد. در نهایت، نزاع میان پارلمان و پادشاه منجر به جنگ داخلی انگلستان (۱۶۴۲-۱۶۵۱) شد.

پیوریتن‌ها به لطف اقدامات قهرمانانه‌ی الیور کرامول—که مجسمه‌اش هنوز هم در مقابل پارلمان است—، پیروز این جنگ شدند. در طول جنگ، پارلمان به رهبران پیوریتن (و تعدادی مشاور اسکاتلندی) دستور داد انجمنی تشکیل دهند تا سی و نه مقاله را به اعتراف‌نامه‌ای کامل تبدیل کنند، شبیه دیگر اعتراف‌نامه‌های اروپا. انجمن وست‌مینستر صادقانه تلاش کرد تا براساس سی و نه

مقاله کارش را انجام دهد، اما خیلی زود فهمیدند که این نمونه محدودیت‌های زیادی دارد و از همین رو، کار را از ابتدا شروع کردند.

زمینه‌ی مبارزات با چارلز و نیاز به اصلاحات بیش‌تر، برای توضیح طول و عمق معیارهای وست‌مینستر اهمیت زیادی دارد. این معیارها بجای اینکه صرفاً تمام آموزه‌ها را خلاصه کنند، نیروی سرکوب‌شده‌ی پیوریتنیسم جهت تعریف آموزه‌ها و اعمال آیینی اصلاحات انگلستان را آزاد کردند. خون‌ها ریخته بود و صداها را خاموش کرده بودند و اکنون که این صداها مجال سخن یافته بودند، وظیفه‌ی خود می‌دانستند که نه فقط درباره‌ی موضع آموزه‌ها که درباره‌ی پرستش، شاگردی و مجموعه‌ای از موارد دیگر مرتبط با حیات کلیسا هم، تفسیر خود را ارائه دهند.

### اعتراف ایمان در روزگار کنونی

امروزه، در کلیساهای پروتستان، اعتراف‌نامه‌های ایمانی را به شیوه‌های گوناگونی به کار می‌برند. این‌طور نیست که تمام گرایش‌های کلیساهای اונجلیکال موافق اعتراف‌نامه باشند. نیروهایی مانند ظهور تقدس‌گرایی و بیداری بزرگ دوم به کم‌رنگ شدن نقش اعتراف‌نامه‌ها —چه مشترک، چه شخصی— و پررنگ شدن بیانیه‌های فوری درباره‌ی ایمان منجر شده است. گاهی، اعتراف‌نامه‌ها را مانعی بر سر راه ایمان واقعی می‌دانند.

اگرچه چنین گرایش‌هایی هشداردهنده هستند، اعتراف‌نامه‌های قرون ششم و هفتم هنوز از بین نرفته‌اند. بسیاری از کلیساهای هر هفته آن‌ها را به کار می‌گیرند، هم در زمینه‌ی پرستش و هم پرسش و پاسخ کسانی که تازه ایمان آورده‌اند و کودکان. در بسیاری از فرقه‌ها، از آن‌ها جهت تأیید وفاداری شبان‌ها و مشایخ استفاده می‌کنند. به این ترتیب، اعتراف‌نامه‌ها نه تنها حصار برای اطمینان از راست‌دینی فراهم می‌کنند، بلکه اسناد زنده‌ای هستند که مسیر روزانه‌ی شاگردان مسیحی را به آنان نشان می‌دهند.

**دکتر رایان ریوز**، استادیار الهیات تاریخی و معاون دانشکده‌ی علوم دینی گوردون-کانول در جکسون ویل ایالت فلوریدا است.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.